

« بسم الله الرحمن الرحيم »

برگی از دفتر حیات فقیه قرآنی

معرفی اجمالی، فقیه قرآنی، آیت الله صادقی تهرانی (رحمة الله علیه)
زندگی، اساتید، نظرات، فتاوا

آیت الله محمد صادقی تهرانی^(۵)، مرجع عالیقدر، فقیه، مفسر و اندیشمند بزرگ شیعه بود که در تاریخ اول فروردین سال ۱۳۰۵ دیده به جهان گشود و در نخستین روز فروردین سال ۱۳۹۰ در سن ۸۵ سالگی در شهر قم وفات نمود.

آیت الله صادقی تهرانی، که به «فقیه قرآنی» و «فقیه مصلح قرآنی» معروف است، فرزند شیخ رضا لسان المحققین اصفهانی، از علمای تهران بود. تحصیلات حوزوی را در زادگاهش آغاز کرد و نزد آیت الله محمدعلی شاه آبادی، از استادان بزرگ فلسفه و حکمت تحصیل کرد و به گفته خودش تا پایان عمر تحت تأثیر او بود و روش قرآن محوری را از او الهام گرفت.

در حوزه علمیه قم فقه و اصول را نزد آیت الله بروجردی و فلسفه و حکمت را نزد علامه طباطبائی تحصیل کرد، همزمان در رفت و آمدهایش به تهران در درسهای فلسفی آیت الله میرزا مهدی و میرزا احمد آشتیانی نیز شرکت می‌جست. حکم اجتهادش را آیت الله خویی^(رحمة الله علیه) بدون درخواست به او داد، به گفته خودش: «من در منزل بودم و پیکی از سوی آیت الله خویی آمد و آن را به من داد و من اصلاً انتظار نداشتم و هیچ وقت هم دنبال مدرک و اجازه نبودم».

با بازگشت به تهران، از نخستین روحانیانی شد که برای تحصیل به دانشگاه هم رفتند، از دانشگاه تهران دکترای معارف اسلامی گرفت و کتابی هم به نام «آفریدگار و آفریده» در مورد فلسفه اسلامی بر مبنای قرآن و سنت نوشت و همین کتاب را برای دانشجویان درس داد. این کتاب با اقبال زیادی مواجه شد و بارها چاپ گردید. و در محافل بحث با مادیگرایان مورد توجه بچه مسلمان‌های انقلابی بود. مهندس لطف الله میثمی می‌گفت که شهید حنیف نژاد برای مدت زیادی علاوه بر قرآن، این کتاب را هم همیشه در دست داشت.

او در اندیشه دینی و فعالیت سیاسی و اجتماعی، شخصیتی متفاوت و منحصر بفرد بود، این تفاوت سرانجام به انزوا و گوشه‌گیری وی منجر شد و با آن که از روحانیان برجسته بود و سابقه‌ای طولانی در فعالیت سیاسی و مبارزه با حکومت پهلوی داشت، مرگش بازتاب متناسبی در رسانه‌های کشور نیافت. شاید این بی‌توجهی رسانه‌ای تا حدود

زیادی نتیجه موضعگیری‌های تند و انتقادی آیت الله صادقی تهرانی در قبال مسائل سیاسی، و اجتماعی و به خصوص به «حوزه‌های علوم دینی» باشد.

او به شدت از وضعیت علمی و مبنای غیر قرآنی حوزه‌های علمیه انتقاد و گله می‌کرد و حتی در برخی موارد این‌چنین می‌گفت که: «تحصیل در این حوزه‌ها به خاطر فاصله‌ای که از قرآن دارند موجب ضلالت طلبه‌ها و دوری و مهجوریت بیشتر قرآن می‌گردد، چرا که آنها یا سراغ قرآن نمی‌روند و حجیت قرآن را با تهمت «ظنی الدلالة» بودن مخدوش می‌شمارند، و یا اگر هم سراغ آن بروند بر آن تحمیل می‌کنند و روایات را مطلقاً بر قرآن مقدم می‌شمارند و آیات قرآن را از کار می‌اندازند که این از اولی بدتر است».

از جمله فعالیت‌های سیاسی آیت الله صادقی تهرانی^(۵)، سخنرانی تندی بود که علیه محمدرضا شاه در سالگرد درگذشت آیت الله بروجردی (۱۳۴۱ خورشیدی) در مسجد اعظم قم ایراد کرد و باعث شد که تحت تعقیب قرار بگیرد و مخفیانه به عربستان سعودی هجرت کند. ایشان در سالهای پس از انقلاب درباره این سخنرانی که اولین سخنرانی صریح علیه شاه بود (و قبل از سخنرانی تاریخی امام خمینی(ره) در سال ۴۲ ایراد شده بود)، گفت: «هر آنچه امروزه شما جرأت می‌کنید درباره شاه بگویید من آن موقع در آن فضای بسته و خفقان روی آن منبر گفتم». از آن زمان تا انقلاب، ساواک پنج بار حکم اعدام او را صادر کرده بود.

در عربستان و در مکه علاوه بر تبلیغ علیه حکومت شاه میان حجاج، به مناظره با علمای وهابی و تبلیغ مذهب شیعه پرداخت. او در آنجا با تقیه، روش عرضه بر قرآن را در باره کتب اهل سنت اجرا می‌کرد و بسیاری از نظرات و احکام آنها را زیر سؤال می‌برد. در مسجد الحرام صحیح بخاری را درس می‌داد و در بین آن مطالب خلاف قرآن را رد می‌کرد. این کارهای او موجب جاذبه و دافعه زیادی برای وی شد تا آنجا که از سویی حدود یکصد خانوار سنی مذهب در شهر مکه بر اثر تبلیغات و استدلال‌های او به مذهب شیعه گرویدند و از سویی فعالیت‌های سیاسی و مذهبی او در مکه منجر به بازداشت او و اخراجش به عراق شد.

در عراق هم در کنار تدریس در حوزه علمیه نجف، به فعالیت علیه حکومت شاهنشاهی در ایران ادامه داد تا اینکه سرانجام با اخراج گسترده ایرانیان از عراق که پس از درگذشت آیت الله حکیم، مرجع بزرگ وقت شیعیان در سال ۱۳۴۹ آغاز شد، به بیروت کوچید. در همین سالها کتاب «علی و الحاکمون» را در نجف با توسل به امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) نوشت که علامه امینی درباره آن گفته بود: «این کتاب خلاصه و عصاره‌ی الغدیر من است». در سالهای اقامت در لبنان نیز کتاب «رسول الاسلام فی الکتب السماویة» و «بشارات عهدین» را نوشت که کتابی بی‌نظیر در اثبات نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) تنها با استدلال به کتب و متون دینی اهل کتاب بود. وی با تلاش بی‌نظیر و فراست بالایی که داشت چنان تسلطی بر منابع اهل کتاب یافت که در مناظرات با علمای مسیحی و یهودی در لبنان، با منابع خودشان آنان را محکوم می‌کرد، و کتاب خود را نیز برای اکثر کلیساهای مهم جهان ارسال کرد و منتظر جوابی از آنها بود و که پاسخی هم از آنان دریافت نکرد. فعالیت‌های اسلامی و سیاسی را هم، در لبنان همراه با امام موسی صدر ادامه داد و در آنجا نماز جمعه برگزار کرد.

او پس از انقلاب، با آنکه رابطه بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با امام خمینی^(۶) داشت، خیلی زود از سیاست کنار ماند. مسئولیت ریاست دیوان عالی کشور اول به آیت الله صادقی پیشنهاد شد که او نپذیرفت و بعد شهید بهشتی

این مسولیت را بر عهده گرفت. اولین نماز جمعه غیر رسمی در ایران را هم او در تهران و مشهد، برپا کرد. او برای برپایی حکومت اسلامی شیعی بسیار تلاش و مبارزه کرده بود و در زمره علمایی بود که قیام برای تشکیل حکومت اسلامی را لازم و واجب می‌دانست. اما پس از پیروزی انقلاب وقتی که حفظ حکومت «أوجب واجبات» شمرده شد و «فقه پویا»، تعطیلی احکام اصلی اسلام برای حفظ مصلحت حکومت را جایز دانست، او صریحاً اعتراض می‌کرد. او با انتقادهایش به امام خمینی^(ع) و انقلابیون، جایگاه سیاسی خود را از دست داد. او بعد از آن که تلاش را بی‌فایده دید، و دانست که در این جریان به بهانه حفظ نظام، احکامی از اسلام تعطیل شده و محرمانی انجام می‌گیرد، ترجیح داد از جریان حاکم فاصله بگیرد. او طبق وصیت استادش علامه طباطبایی، مشغول تکمیل تفسیر الفرقان شد که بیش از نیمی از آن باقی مانده بود. او در طی حدود چهارده سال آن را به انجام رساند.

با این که از مسئولیت‌های سیاسی دور شده بود، اما از فعالیت و تلاش بازماند، و نیز از حمله و انتقاد و تهمت هم در امان نبود، تا آنجا که دو بار در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۹ به محل تدریس او در مسجد امام رضای قم حمله شد و به گفته ایشان «مهاجمان دست نشانده با حمله به طلاب علوم قرآن، با سیلی و مشت و لگد به آنان توهین نموده، قرآن‌ها را پایمال، و درس تفسیر قرآن را تعطیل کردند».

آیت الله صادقی تهرانی بسیاری از نظرات متکلمان و فیلسوفان بزرگ مسلمان را قبول نداشت و با دیدگاه خاص و متفاوتش، برخی از ارکان اولیه‌ای را که در کتابهای فلسفی و کلامی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد را خلاف برداشت‌های درست عقلی و قرآنی می‌دانست مانند: تجرد روح، خلافت انسان از خدا؛ تعریف عالم امر، و قائل شدن ولایت تکوینی برای معصومان (علیهم السلام) به صورت تفویضی و...

نگرشش به قرآن، به گفته خودش، در کل علوم اسلامی باعث اختلاف وسیعی میان او و دیگر علمای شیعه و سنی می‌شد. ایشان مبنای اختلافش با بسیاری از نظرات مشهور علمای شیعه و سنی را «آزاد اندیشی و تدبر بدون پیش فرض در قرآن» عنوان می‌کرد. او در فعالیتهای مذهبی‌اش به عنوان یک روحانی هم، شیوه متفاوتی با دیگر روحانیان و سخنوران مذهبی داشت و دانشجویان و نسل جوان را بیشتر مخاطب قرار می‌داد.

مهمترین اثر او تفسیر ۳۰ جلدی قرآن، با نام «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة» به زبان عربی است که در آن هم، شیوه‌ای متفاوت با دیگر مفسران پیمود و می‌گفت: «در تفسیر کمتر آیه‌ای است که نکته‌ای مغفول یا خطائی مشهود نسبت به آن آیه مبارکه را میان تفاسیر شیعه و سنی متذکر نشده باشیم». وی می‌گوید: «به یاد دارم که مرحوم آیت الله العظمی علامه طباطبائی فرمودند تا این تفسیر پایان نیافته کتاب دیگری ننویسم و چنان هم شد». در تقریظ این کتاب استادش علامه طباطبایی نوشته است: «تفسیر شریف فرقان که زیارت شد موجب روشنی چشم و مایه افتخار ماست».

اعتقاد داشت که بسیاری از علوم رایج اسلامی یا پایه قرآنی ندارد یا ضد قرآن است تا آنجا که اگر قرآن، محور اصلی همه علوم اسلامی باشد، بسیاری از نظریات حوزوی مخدوش می‌شود و زمینه وحدت نظر در بین کل جریانهای اسلامی فراهم می‌گردد. در استنباط احکام شرع، آیت الله صادقی تهرانی، بر خلاف دیدگاه رایج و رسمی، عقل را جزو منابع فقه نمی‌دانست، تنها استدلال بر پایه کتاب (قرآن) و سنت را می‌پذیرفت، و اجماع را تنها در

صورت عدم مخالفت با قرآن و سنت، کاشف از سنت می‌دانست و به بسیاری از اجماعات خلاف قرآن و سنت اعتراض داشت. مثلاً غسل جمعه را طبق سنت واجب می‌دانست و اجماع علما خلاف سنت را باطل می‌شمرد.

ایشان هر نظر فقهی را که مغایر با عقل سلیم، حس، عدل و علم می‌دانست، رد می‌کرد و معتقد بود چنین نظراتی داری پایه عقلانی و قرآنی نیستند و باطلند. جالب آنجاست که با این که وی عقل را جزو منابع احکام نمی‌شمرد و آن را تنها ابزار درک قرآن و سنت می‌شناخت، با این حال فتاوی او نسبت به علمایی که عقل را هم جزو منابع فقاقت به شمار می‌آوردند، به نظر عقلانی‌تر می‌آمد. مثل مباحث وی در باب اجتهاد و تقلید و نیز مسائل مالی و همین‌طور نفی هرگونه «کلاه شرعی». او بر این باور بود که در این روش وی، «کلاه شرعی» اصلاً جایگاهی ندارد و مبانی و نظرات وی به گونه‌ای است که در آن نمی‌توان کلاه شرعی درست کرد و بر فرض هم که بشود هرگز این کار جایز نخواهد بود. و این عمل را فریب دادن خدای متعال و معادل با عمل «قوم سبت» می‌دانست و می‌گفت که قوم سبت هم کلاه شرعی درست کردند و خدا عذابشان کرد و بوزینه و مسخ شدند.

در مورد مجازات سنگسار، نظر آیت الله صادقی تهرانی این بود اولاً سنگسار نیست و ریگسار است و هدف از این مجازات هم اعدام و به قتل رساندن مجرم نیست بلکه تحقیر اوست و جنبه بازدارندگی دارد، بنابراین باید در اجرای آن، ریگ‌هایی (و نه سنگ) با اندازه متوسط را به جاهایی از بدن بزنند که موجب قتل نشود و هنگامی که فعل ریگسار صدق پیدا کرد، دیگر ادامه دادنش جایز نیست و باید اجرای مجازات را متوقف کرد. و اینکه مجازات جایگزینی برای سنگسار (ریگسار) وجود ندارد، یعنی نمی‌توان مرتکب به زنا یا محصنه را به جای ریگسار اعدام کرد یا مجازات دیگری برایش در نظر گرفت و برای اجرای آن باید چهار مرد عادل شهادت بدهند و تحقق چنین شرطی به ندرت در طول تاریخ ممکن می‌شود!

او در برابر «فقه پویا» و «فقه سنتی» که عامه علمای معاصر شیعی بر مبنای آنها فتوا می‌دهند، برای صدور احکام «فقه گویا» را ارائه می‌کند که در آن تنها قرآن، محور استنباط است و سنت قطعیه از عرضه‌ی احادیث بر قرآن بدست می‌آید و علم رجال حجت‌آور نیست و تنها موافقت حدیث با قرآن ملاک است یعنی بین دو روایت که یکی معتبر ولی خلاف قرآن و دیگری ضعیف ولی موافق قرآن است، روایت دوم مقبول است. و اجماع، شهرت و انواع روایت هم اگر خلاف قرآن نباشد، و معارضی هم نداشته و از طریق علمای امامیه رسیده باشد، طبق آیه «**قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ**» مقبول است، زیرا اگر شارع مقدس با آن مخالف بود حتماً حجتی رسا بر ضد آن برای مکلفان ارسال می‌فرمود. او نه تنها نص قرآن را حجت و غیر قابل خدشه می‌داند بلکه «**ظاهر مستقر**» قرآن را نیز خدشه ناپذیر می‌داند و تخصیص عمومات قرآن و تقیید اطلاقات قرآن را با روایت ناروا دانسته و تنها اینکار را در عمومات و اطلاقات ضابطی جایز می‌دانست. به عنوان مثال با این مبنا روایت «**یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب**» خلاف قرآن است. و نیز روایت «**ان الزکاة فی تسعة اشياء و عفا سوا ذلک**» رد می‌شود.

فقیه قرآنی، در تفسیر قرآن از روش قرآن به قرآن استفاده می‌کرد و بعد از استاد خود محمد حسین طباطبایی (رحمة الله علیه)، به نظر می‌رسد تنها کسی بوده که به طور جدی از این روش استفاده کرده و شهادت این را داشته است که بر خلاف جریان حوزه‌ها، آن را در فقه نیز وارد نماید. کاری که استادش موفق به اجرای آن نشده بود. و به نوعی شاید آروزی استادش را برآورده است.

بی‌پروایی در بیان احکام از خصوصیات بارز وی بود که شاید مانند آن را به سختی بتوان یافت. وقتی مطلبی را خلاف قرآن می‌یافت حتی اگر اجماع علمای شیعه نیز بر آن بود، آن را صریحاً بیان می‌کرد و سایرین را محاکمه می‌نمود که چرا بر خلاف کتاب خدا نظر می‌دهید. که مثال‌های بارز آن حرمت ازدواج با زناکار، تعلق زکات به کلّ اموال، عدم شکستن روزه در سفرهای بدون عسر و حرج، وجوب غسل و نماز جمعه، و پاک بودن اهل کتاب است. او در کتاب «الفقهاء بین الکتاب والسنة»، حدود ۵۶۰ فتوای علمای شیعه و سنی را که برخلاف قرآن است نقد کرده است.

بعد از رحلت آن عالم بزرگ، برای تداوم راه او، عده‌ای از شاگردانش «مرکز مطالعات فقه قرآنی» را تأسیس نمودند و فرزندان ایشان نیز در قالب همان مجموعه «جامعه علوم القرآن» که یادگار پدریشان بود، مسئولیت چاپ و نشر آثار بجا مانده از ایشان را عهده‌دار شدند.

بیان برخی فتاوا

- تقلید از اعلم چه زنده باشد یا مرده، مرد باشد یا زن، واجب است. زیرا اصل بر تبعیت از «احسن القول» است نه چیز دیگر و با مردن یک عالم احسن بودن قول او نقض نمی‌شود کما آنکه سخنان پیامبر و معصومان (علیهم السلام) و روایت حدیث با مردن آنها نمرده است.
- تقلید از کسی که روایات را بر قرآن عرضه نمی‌کند یا قرآن را قطعیّ الدلالة نمی‌داند یا نسخِ نصوص یا ظواهر مستقرّ قرآن را با حدیث جایز می‌شمارد و صرفاً سند صحیح روایت را بر نصوص و ظواهر مستقرّ قرآن مقدم می‌داند و یا اجماع یا شهرت را بر نصّ قرآن یا سنت قطعیّه ترجیح می‌دهد باطل است.
- مکلفان باید در حد توان در احکام الهی اجتهاد صحیح کنند و از مراجع خود دلیل خواهی کرده و قانع شوند، چرا که تقلید کورکورانه در قرآن به شدت نفی شده است.
- بلوغ در احکام مختلف متفاوت است و به بلوغ عقلی، بلوغ جسمی، بلوغ جنسی، بلوغ اقتصادی و... تقسیم می‌شود و طبق روایات صحیح از معصومین (علیهم السلام)، برای دختران و پسران، بلوغ عقلی برای نماز یکسان و نوعاً از ابتدای ۱۰ سالگی قمری و بلوغ جسمی برای روزه هم یکسان و نوعاً از ابتدای ۱۳ سالگی قمری است و ارقام ۹ و ۱۵ سال، صرفاً مربوط به بلوغ جنسی و احکام مربوطه است. و نیز آن که این اعداد ثابت نیستند و ممکن است زودتر یا دیرتر محقق شود، مثلاً چه بسا کودکی در ۷ سالگی به بلوغ عقلی برای نماز برسد و همو در ۱۶ سالگی هم هنوز به بلوغ جسمی برای روزه نرسیده باشد، که در این مورد و در این بازه‌ی زمانی، نماز بر او واجب است اما روزه بر او واجب نیست و قضا و کفاره هم ندارد.
- بر مبنای آیات قرآن کریم، نماز و روزه مسافر شکسته نیست.
- نماز جمعه با حضور امام عادل واجب است.
- بدن کفار و اهل کتاب پاک است.
- زکات به کل اموال تعلق می‌گیرد.
- اعتکاف در کل مساجد جایز است.

- زنان علاوه بر اموال منقول، از اموال غیرمنقول شوهرانشان هم ارث می برند.
- سیادت از طرف مادر هم منتقل می شود.
- مشروبات الکلی اگرچه نوشیدنشان حرام است اما نجس نیستند.
- استعمال دخانیات حرام است اما روزه را باطل نمی کند.
- در ماه رمضان می توان غسل جنابت را بعد از اذان صبح انجام داد، و باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح در ماه مبارک رمضان، هرگز مبطل روزه نیست.
- بازی با شطرنج حتی بدون برد و باخت حرام است ولی بازی با دیگر آلات مانند پاسور، تخته نرد و... بدون برد و باخت تا آنجا که به ترک واجب و عمل حرام منجر نشود و ایجاد دشمنی نکند جایز است.
- اقرارهایی که در زندان در اثر حبس یا ضرب یا تخفیف یا تجرید اخذ گردد هرگز جنبه حقوقی قضایی و شرعی ندارد و نمی توان متهم را از این طریق محکوم کرد.
- هرگونه انتخابات غیر تخصصی، شرعاً حرام است. (یعنی اینکه غیر متخصص در یک رشته بخواهد به تخصصی در آن رشته رأی بدهد و او را، برای انجام کاری در آن تخصص انتخاب کند).
- کودکانی که توسط اشخاص یا خانواده‌ای بجز والدین خود حضانت می شوند، پس از بلوغ به آنان محرم‌اند.

تهیه کننده: محمد صادق ساداتی

منابع:

- گفتگوی شفاهی با شاگردان آیت الله صادقی تهرانی^(ره)
- پایگاه اینترنتی البلاغ، «مرکز مطالعات فقه قرآنی»: <http://www.albalaq.com/>
- ویژه نامه مربوط به رحلت آیت الله صادقی در بی بی سی فارسی <http://www.bbc.co.uk/persian/>
- ویکیپدیای فارسی <http://fa.wikipedia.org/>
- سایت فرقان، «مرکز نشر آثار» <http://forghan.ir/>
- رساله توضیح المسائل نوین، آیت الله صادقی تهرانی، چاپ سوم، سال ۱۳۸۴، انتشارات امید فردا
- کتاب فقه گویا، آیت الله صادقی تهرانی، انتشارات امید فردا